



«قَبَسَاتٌ مِنَ الْأِعْجَازِ الْعِلْمِيِّ لِلْقُرْآنِ»

○ مُعْجَزَةُ الْبُصْمَةِ*

لقد أنكر الكفار «الخلق الجديد» بعد الموت وقالوا :

﴿إِذَا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ؟!﴾

فأجابهم الحق تبارك وتعالى في أسلوبٍ توكيديٍّ :

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ؟! بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ﴾

رُبَّمَا الْكُفَّارُ لَمْ يُدْرِكُوا حِينَذَاكَ مَعْرَىٰ هَذِهِ الْآيَةِ الْمُبَارَكَةِ وَ سَبَبَ التَّأَكِيدِ عَلَى

الْبَنَانِ مِنْ بَيْنِ أَعْضَاءِ الْجَسْمِ!

فإنَّ العِلْمَ لَمْ يَكْتَشِفِ السَّرَّ الْمَوْجُودَ فِي الْبَنَانِ وَالْبُصْمَةِ إِلَّا فِي الْقُرْنِ الْأَخِيرِ،

فَتَبَيَّنَ أَنَّ لِكُلِّ بِنَانَةٍ خَطُوطًا بَارِزَةً لَا يُمَكِّنُ أَنْ تَتَشَابَهَ فِي شَخْصَيْنِ حَتَّىٰ فِي إِصْبَعَيْنِ*

أَبَدًا!

○ يقول سبحانه و تعالى :

﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾
فَالْإِنْسَانُ عَالَمٌ مُّعَقَّدٌ وَ إِذَا طَرَفْنَا أَبْوَابَ هَذَا الْعَالَمِ كَانَتْ دَهْشَتُنَا عَظِيمَةً جَدًّا!
لَقَدْ أَثْبَتَ الْعِلْمُ الْحَدِيثُ بِأَنَّهُ :

– إِذَا وَضَعْنَا الْخَلَايَا الْعَصَبِيَّةَ لِلْجِسْمِ فِي خَطِّ وَاحِدٍ، بَلَغَ طَوْلُهَا أضعافَ
المسافةِ بينِ الأرضِ والقمرِ!

– في العينِ الواحدةِ أكثرُ منِ مائةٍ و أربعينَ مليونَ مُسْتَقْبِلِ حَسَّاسٍ لِلضَّوءِ .
و لِكُلِّ عَيْنٍ نِصْفُ مليونِ ليفٍ عَصَبِيٍّ تَقْرِيْباً يَسْتَقْبِلُ الصَّوْرَةَ بِشَكْلِ مُلَوْنٍ .

○ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ

اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ هُوَ اللَّوْنُ الْمُفَضَّلُ فِي
الْقُرْآنِ، حَيْثُ نَقَرْنَا فِي شَأْنِ أَصْحَابِ
الْجَنَّةِ :

﴿و يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ
وَ إِسْتَبْرَقٍ﴾

﴿مُتَّكِنِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ...﴾

لَقَدْ وَصَلَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ اللَّوْنَ يُؤَثِّرُ فِي
سَلُوكِ الْإِنْسَانِ وَ مَشَاعِرِهِ . وَاللَّوْنُ الَّذِي
يَبْعَثُ الشَّرَّورَ دَاخِلَ النَّفْسِ وَ يُثِيرُ فِيهَا
الْبُهْجَةَ وَ حُبَّ الْحَيَاةِ، هُوَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ!

البلاغة (۱)

علم المعاني «تأکیدُ الکلام، الحصر»

نگاهی به گذشته

با چشم اندازی به گذشته و مطالبی که تاکنون فراگرفتیم، می توان آن ها را در دو موضوع زیر خلاصه کرد :

- ۱- شناسایی کلمات و بررسی ساختار آن (علم صرف)
- ۲- شناسایی جملات، انواع آن و اجزای تشکیل دهنده ی هر یک (علم نحو)

نگاهی به آینده

- بعد از فراگیری دو موضوع صرف و نحو، اکنون این سؤالات مطرح است :
- ✓ هدف ما از ساختن و به کارگیری جملات چیست و صرف و نحو در خدمت چه امری است؟
 - ✓ آیا جز این است که بخواهیم با مخاطب معینی ارتباط برقرار نموده و پیامی را منتقل نماییم؟
 - ✓ و آیا همه ی مخاطبان یکسان هستند و یک اسلوب واحد، می تواند برای مخاطبان مختلف مفید باشد؟

نتیجه:

از آن جا که همه ی مخاطبان یکسان نیستند، هر سخنی باید متناسب با شنونده ی خود بیان شود.

حتماً شنیده اید که ادبا گفته اند «لِکُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ.»
«هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد!»

کمی بیاندیشید!

به نظر شما چه چیزی حافظ و سعدی را این چنین مشهور کرده است؟ مگر آن‌ها از همین کلمات متداول و رایج ما استفاده نکرده‌اند؟! پس رمز توفیق آن‌ها در چه بوده و چگونه توانسته‌اند در برقراری ارتباط و انتقال پیام به اوج قلّه‌ی رفیع ادب برسند؟ بنابراین صرف و نحو در خدمت هدفی ارزشمند قرار می‌گیرند که ادبا از آن به «بلاغت» تعبیر می‌کنند.

وظیفه‌ی ما در «بلاغت»: شناسایی و بررسی موقعیت مخاطبان و استفاده از کلامی متناسب با احوال آنان است.

— به وسیله‌ی بلاغت است که می‌توان به ظرافت‌ها و دقایق کلام پی برد و زیبایی‌های آن را چشید!

علوم بلاغت شامل سه علم معانی، بیان و بدیع است که هر کدام را به اختصار در درسی خاص، معرفی خواهیم کرد.

این علم از معانی جمله و مطابقت اسالیب آن با «مقتضای حال» بحث می‌کند. یکی از موضوعات مورد بحث در علم معانی، تأکید کلام است.

علم
معانی

يَعْلَمُ اللَّهُ كُلَّ شَيْءٍ . خداوند همه چیز را می‌داند.
اللَّهُ عَالِمُ كُلِّ شَيْءٍ . قطعاً خداوند بر همه چیز آگاه است.
إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ كُلِّ شَيْءٍ . یقیناً خداوند بر همه چیز آگاه است.

اکنون به دور از مسائل نحوی، به معانی این جملات توجه کنیم:

؟

با ساختار و نوع این جملات در گذشته آشنا شده ایم.
اما چه تفاوتی از جهت معنی بین آن‌ها وجود دارد؟
هر سه جمله از علم خداوند سخن می‌گویند، اما آیا بین
آن‌ها تفاوتی نیز وجود دارد؟
کدام جمله از جهت معنی قوی‌تر و موگدتر است؟
- این تأکید و تقویت توسط چه کلماتی صورت گرفته است؟

۱

نتیجه:

از جمله راه‌های تأکید یک عبارت، استفاده از جمله‌ی اسمیه و یا حرف «إِنَّ»
است.

؟

آیا می‌دانید چرا از تأکید استفاده می‌کنیم؟
کدام یک از دانش‌آموزان نیاز به تذکر و هشدار و تأکید
دارند، دانش‌آموز کوشا یا دانش‌آموز کم‌توجه؟

۲

عامل مؤثر در تأکید جملات، رعایت «مقتضای حال» مخاطب است!

؟

تأکید در زبان عربی چگونه انجام می‌گیرد؟
با توجه به اهمیت تأکید در زبان عربی و تأثیر آن در ترجمه
و فهم دقیق عبارات، در این درس با چند نوع از روش‌های تأکید
آشنا می‌شویم:

۳

۱- لامِ خَبِرٍ «إِنَّ»: لامِ مفتوحه‌ای است که غالباً بر سرِ خبرِ «إِنَّ» می‌آید؛
به معنای: «مسلاً، یقیناً...»

﴿وَأِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾: قطعاً تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

﴿وَأَنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ﴾: مسلماً پروردگارت میان آن‌ها داوری می‌کند.

۲- قَسَمٌ: حروفِ جازه‌ی «باء، واو، تاء» برای قسم به کار می‌روند به معنای «سوگند
به...»

﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ...﴾: سوگند به عصر که واقعاً انسان در
زیان است... (مگر کسانی که ایمان آورده‌اند)

آیا می‌دانید در آیه‌ی شریفه‌ی فوق، چند مورد تأکید وجود دارد؟

۳- ضمیر فصل: ضمیر منفصل مرفوعی است که بین مبتدا و خبر یا اسم و خبر
معرفه قرار می‌گیرد:

﴿وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾: و تنها خداست که بی‌نیاز و ستوده است.

﴿أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾: و تنها اهل بهشت هستند که رستگارانند.

۴- تکرار: با این نوع تأکید در بحث «توابع» آشنا شدیم؛ حتماً نام آن را به خاطر
می‌آورید!

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهٖمُ إِلَّا قِيلاً سَلَامًا﴾

در آن جا سخن بیهوده و گناه‌آلود نمی‌شنوند؛ مگر یک سخن: سلام، سلام!

﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا﴾

پاک و منزّه است کسی که (خدایی که) همه‌ی جفت‌ها را آفرید.

حصر

معمولاً برای محصور نمودن و اختصاص موضوع در چیزی، اسلوب حصر به کار می‌رود. دو نوع از اسلوب‌های حصر عبارت‌اند از:

۱- تقدیم: یکی از اسالیب تأکید، مقدم نمودن جزئی از جمله بر اجزای دیگر آن است؛ مانند:

الف) تقدیم مفعول به: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾

تو را عبادت می‌کنیم ○ تنها تو را عبادت می‌کنیم ○

ب) تقدیم جار و مجرور: ﴿عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا﴾

فقط به خدا توکل نمودیم ○ به خدا توکل نمودیم ○

﴿إِلَى الْمَصِيرِ﴾

بازگشت به سوی من است ○ بازگشت تنها به سوی من است ○

۲- إنَّمَا: به معنای «فقط، تنها، ...»

﴿إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾: فقط خردمندانند که پند می‌گیرند.

بعد از پایان این درس خوب است به چند سؤال زیر فکر کنیم:

۱- آیا هر کدام از ادوات تأکید و حصر، در زبان فارسی برای خود معادل و ترجمه‌ی دقیقی دارند؟

۲- آیا ترجمه، می‌تواند منتقل‌کننده‌ی همه‌ی پیام‌ها و ظرایف موجود در جمله باشد؟

۳- آیا با کمک ترجمه می‌توان فصاحت و بلاغت و اعجاز قرآن کریم را چشید؟

پس چه باید کرد؟!

بیاید زبان عربی را بیاموزیم و به عربی بخوانیم و به عربی بفهمیم

تا شیرینی و حلاوت این کلام آسمانی را هر چه بیشتر بچشیم!

- ۱- در جمله‌های اسمیه، یافتن خبر، نقش اساسی برای دریافت معنای عبارت دارد.
- ۲- در ترجمه‌ی «ضمیر فصل» از تعبیری چون: «تنها، همان است، آن است که، چنین است» استفاده می‌شود.

۳- دَقْتُ کَنیم که گاهی جمله‌ی وصفیه به صورت جمله‌ی اسمیه می‌آید؛ مانند:
ترجمتُ نصّاً عباراته سهله = متنی را ترجمه کردم که عبارت هایش آسان بود.

۱- نقش و جایگاه کلمات را در زبان مبدأ خوب تشخیص دهید!

متن زیر را که از وصیت‌نامه‌ی امام خمینی «ره» انتخاب شده است

ده نکته‌ی ترجمه!

بخوانید و پس از پاسخ دادن به سوالات، آن را ترجمه کنید:

نحن... نَفَخْرُ بِاتِّبَاعِ مَذْهَبِ هَدْفُهُ إِتْقَادُ الْقُرْآنِ مِنَ الْمَقَابِرِ. نحن نَفَخْرُ بَأَنَّ هَدَفَنَا تَحْقِيقَ أَهْدَافِ الْقُرْآنِ وَالسُّنَنِ. و في هذا الْجِهَادِ الْمَصِيرِيِّ يَنْدَفِعُ مَخْتَلَفُ طَبَقَاتِ شَعْبِنَا... لِلتَّضْحِيَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِالْأَرْوَاحِ وَالْأَمْوَالِ وَالْأَعْرَاءِ. وَصِيَّتِي إِلَى الشَّبَابِ الْأَعْرَةَ فِي الْجَامِعَاتِ وَ... وَالتَّانُوِيَاتِ هِيَ أَنْ يَنْهَضُوا

۳- از ترجمه کردن خسته نشوید! هر زمان که فرصتی دارید، قلمی به دست بگیرید و عبارتی را به فارسی برگردانید!

بأنفسِهِمْ وَبِشَجَاعَةِ أَمَامِ الْإِنْحِرَافَاتِ كِي يَصُونُوا الْإِسْتِقْلَالَ وَالْحُرِّيَّةَ لِأَنْفُسِهِمْ وَبَلَدِهِمْ وَسَعْبِهِمْ.

۲- کتاب‌های ادبی زبان فارسی را زیاد بخوانید!

أَسْئَلَةٌ:

□ ترجمة المفردات:

- | | | | |
|--------------|-------------|-------------|--------------|
| ○ وجود داشتن | ○ یافتن | ○ نجات دادن | □ - الإنقاذ: |
| ○ سرنوشت ساز | ○ دنیوی | ○ مسلحانه | □ - المصيري: |
| ○ استراحت | ○ بهره‌مندی | ○ فداکاری | □ - التضحية: |
| ○ روحیه‌ها | ○ جان‌ها | ○ روح‌ها | □ - الأرواح: |

□ عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةَ:

«يندفع شعبنا كي يصون الحرية»

- مردم ما دفاع می‌کنند و آزادی را حفظ می‌کنند.
- مردم ما روانه می‌شوند تا آزادی را حفظ کنند.
- عَيْنِ الْعَوَانِ الْمُنَاسِبِ لِلنَّصِّ:

○ التضحية ○ الاستقلال ○ مشعل الهداية

عَيِّنْ أَسْلُوبَ التَّأْكِيدِ وَالْحَصْرِ (مِمَّا قَرَأْتَهُ حَتَّى الْآنَ) :

١- ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

٢- ﴿وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ﴾

٣- ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾

٤- ﴿أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ﴾

٥- إِنَّمَا الْعِلْمُ كَبَحْرِ زَاخِرٍ فَاتَّخِذْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحْسَنَهُ

إِنتَخِبِ التَّرْجِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِكُلِّ جُمْلَةٍ :

تنها با شکر است که نعمت ها ادامه می یابد.

تَدُومُ النَّعْمُ بِالشُّكْرِ.

نعمت ها با شکر ادامه می یابد.

بِالشُّكْرِ تَدُومُ النَّعْمُ.

عاقل کسی است که تجربه ها به او پند دهد.

الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَّتْهُ التَّجَارِبُ.

عاقل تنها کسی است که تجربه ها به او پند دهد.

إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَّتْهُ التَّجَارِبُ.

إِجْعَلِ الْعِبَارَاتِ وَفْقَ أَسْلُوبِ الْحَصْرِ :

(التقديم)

١- تُنَالُ الْمَطْلَبُ بِحُسْنِ التِّيَابِ.

(إتما)

٢- الشَّرْفُ بِالْعَقْلِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْمَالِ وَالْحَسَبِ.

(التقديم)

٣- تَزْدَادُ الْأَرْزَاقُ بِحُسْنِ الْأَخْلَاقِ.

إقرأ آيات سورة الأنشراح و تَرْجِمُهَا ثم عَيِّن نوع التأكيد والحصر فيما أُشير إليه بخط :

بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ. وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ. الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ. وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا^١. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ. وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾

إقرأ النَّصَّ و تَرْجِمُهُ ثم أجب عن الأسئلة:

إِنَّ النُّجُومَ كَمَوْجِدَاتٍ حَيَّةٍ، تَتَوَلَّدُ و تَعِيشُ زَمَنًا مُعَيَّنًا ثُمَّ تَمُوتُ. والنُّجُومُ مختلفة الأنواع ولكنها تُولَّدُ بطريقةٍ واحدةٍ.

يَتَكَوَّنُ النُّجْمُ بِتَكْنُفِ العُجَارِ والغازِ. و إِنَّ شَمْسَنَا كَبَقِيَّةِ النُّجُومِ تَضَعُفُ تَدْرِيجِيًّا و تَصْغُرُ حَجْمًا و تَفْقِدُ طاقَتَهَا ثُمَّ تَمُوتُ! كما جاء في الذِّكْرِ الحَكِيمِ : ﴿وإذا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ و إذا النُّجُومُ أَنْكَدَرَتْ...﴾



- ١- إلام^٢ تُشير الآية القرآنية «إذا الشَّمْسُ...»؟
- ٢- ما هو التشابه بين النُّجُومِ والموجوداتِ الحَيَّةِ؟
- ٣- هل الشَّمْسُ تُحْسَبُ نجماً؟

للتعريب :

- ١- چه دوست خوبی است ؛ کسی که از دوست خود نصیحت می پذیرد.
- ٢- مسلماً راز موجود در انگستان، نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند است.

١- تقدیم الخیر

٢- إلام = إلى ما



الصورة البهائية في القرآن الكريم

«حذف مفعول به»

ما معمولاً تصور می کنیم که برای القای بهتر مطلب لازم است تمامی ارکان و وابسته های جمله ذکر شود؛ در حالی که واقعیت خلاف این موضوع را اثبات می کند. چه بسیاری از اوقات «حذف» برخی اجزای جمله، معانی و مفاهیم دقیقی را می رساند که «ذکر» آن ها نمی تواند افاده ی چنین معنایی را بکند. به آیات زیر توجه کنیم:

۱- **﴿وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ﴾** خداوند به سرای سلامت فرا می خواند.

مفعول فعل «یدعو» در این آیه حذف شده است تا عموم دعوت شدگان را شامل شود. بنابراین علاوه بر اختصار که از خصوصیات یک عبارت بلیغ است، دلالت بر «عمومیت» از دلایل حذف مفعول به است!

۲- **﴿لَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾** اگر [خدا] می خواست همه ی شما را هدایت می کرد.

«شاء» یک فعل متعدی است، اما مفعول آن چرا حذف شده است؟

شناخت «مقتضای حال» یعنی شناخت روحیات مخاطب و نحوه ی چگونگی تأثیر کلام بر شنونده!

در این جا زمانی که متکلم، فعل «شاء» را به زبان می آورد، مخاطب منتظر می ماند تا مفعول آن مشخص شود. اما متکلم عمداً آن را مخفی می کند و در دنباله ی جمله به شکل مبهم مطرح می کند تا مخاطب، خود

شناخت «مقتضای حال» است که معین می کند، کجا «ذکر» مهم است و کجا «حذف»!

به جستجوی مفعول آن بپردازد. این امر موجب تثبیت معنای مورد نظر در ذهن مخاطب می شود!

۳- **﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾** «پروردگارت تو را رها نکرده و دشمنی ننموده است.»

چرا مفعول فعل «قَلَى» حذف شده است؟

به منظور رعایت جمال ساختار و زیبایی قالب، مفعول به حذف شده است تا اواخر همه ی آیات به الف ختم

شود!

حال در آیات زیر سبب حذف مفعول به را مشخص کنید:

۱- **﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ﴾**

بگو: این سخن حق از جانب پروردگار شماست، هر که بخواهد ایمان بیاورد.

۲- **﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾**

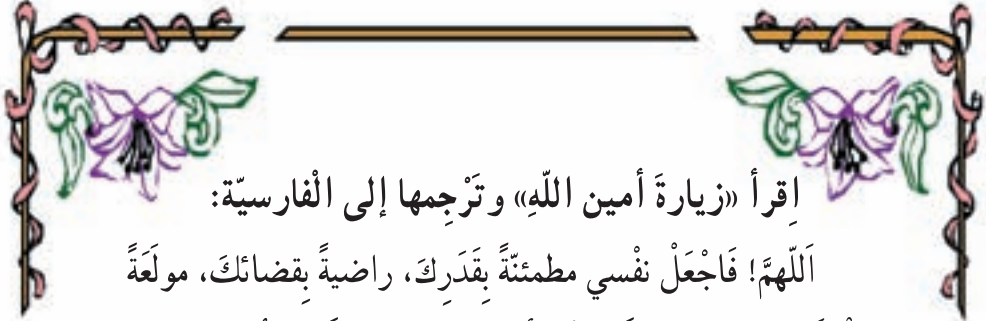
بگو: آیا آن هایی که می دانند با آن هایی که نمی دانند برابرند؟

۳- **﴿فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذُّكْرَىٰ ۝ سَيَذَكَّرُ مَن يَحْسَنِي ۝ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى﴾**

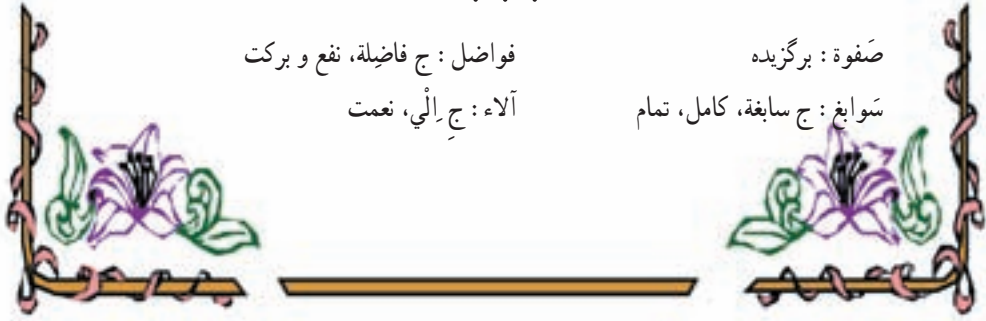
اگر پند دادنت سود کند، پند ده. آن که می ترسد، پند می پذیرد و بدبخت از آن دوری می گزیند.



في ظلال الابدعية



اقْرَأ «زيارة أمين الله» وترجمها إلى الفارسية:
اللَّهُمَّ! فَاجْعَلْ نَفْسِي مَطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مَوْلَعَةً
بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ... صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ،
شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحِ
لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ.



فواضل : ج فاضلة، نفع و بركت
آلاء : ج آلي، نعمت

صَفْوَة : برگزیده
سَوَابِغ : ج سابغة، كامل، تمام